



اگر مطهری زنده بود وارد فلسفه مضاف می شد/ مطهری متکلم یا فیلسوف؟

رئیس مؤسسه آموزشی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه مطهری فیلسوف است، گفت: به افرادی که ایشان را متکلم می دانند، باید گفت فلسفه و کلام در حکمت متعالیه پیوند وثیقی پیدا کرده است.

رئیس مؤسسه آموزشی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه مطهری فیلسوف است، گفت: به افرادی که ایشان را متکلم می دانند، باید گفت فلسفه و کلام در حکمت متعالیه پیوند وثیقی پیدا کرده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: شهید مطهری از معدود فلاسفه بزرگ اسلامی است که به گونه‌ای نظام‌مند در باب اندیشه و ابعاد مختلف فلسفی، اجتماعی، متدولوژیک دینی، فرهنگی و سیاسی کار کرده و بنیانی را گذاشته است که در آینده هم‌چنان راه‌گشای دوست‌داران مباحث فلسفی - اندیشه‌ای جهان اسلام خواهد بود. شهید مطهری پس از روشن کردن بنای متدولوژیک بحث خود به ایجاد بنیادهای فلسفی بحث پرداخته و سپس وارد حوزه اجتماع و فرهنگ شده و در نهایت به نتیجه سیاسی می‌رسد. شهید مطهری در زمینه روش‌شناسی یک مشرب منعطف را دنبال کرده است؛ نه خود را به قیاس محدود می‌کند و نه این که اسیر استقرا و اسلوب تجربی می‌شود.

در بررسی اهمیت اندیشه شهید مطهری برای عصر حاضر با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به گفت‌وگو نشستیم که ماحصل این گفت و شنود را با هم می‌خوانیم؛

* آیا اندیشه های شهید مطهری آنچنان که بایسته و شایسته بوده در جامعه ما در میان خواص و عوام شناخته شده است؟

اندیشه شهید مطهری، اندیشه جامعی است که به عرصه های مختلف فلسفی و کلامی و تفسیری، تاریخی و ... پرداخته است، بنابراین چندان نباید انتظار داشت که در بین عوام اندیشه شهید مطهری گسترش پیدا کند، هر چند می توان اندیشه شهید مطهری را به زبان عوام ترجمه کرد، به گونه ای که حتی زنان خانه دار، کودکان و نوجوانان و دیگر اقشار بتوانند استفاده کنند که این کار باید توسط دیگر اندیشمندان و نویسندگان انجام شود، یعنی آثار شهید مطهری، جزو آثاری نیست که عوام جامعه بتوانند مستقیم از آن استفاده کنند و برای آنها فایده بخش باشد، البته تا حدود زیادی در میان عوام شناخته شده است.

هم توسط انتشارات صدرا و هم نهادهای مختلفی که درباره شهید مطهری سخن گفته اند به صورت موضوعی به اندیشه شهید مطهری پرداختند و اندیشه ایشان را منتقل کردند، تا حدود زیادی در بین خواص، فکر و اندیشه مطهری منتشر شده است. نمی خواهم بگویم همه خواص از اندیشه ایشان اطلاع دارند و کاملاً نسبت به منظومه فکری شهید مطهری آشنایی دارند ولی من حیث المجموع به نظرم در ترویج و اندیشه شهید مطهری در مورد خواص می توان گفت توفیقاتی حاصل شده است ولی هنوز هم نیاز است که بیش از گذشته این روند ادامه و اندیشه های ایشان گسترش پیدا کند، مخصوصاً اگر بتوان با اندیشه شهید مطهری به نیازهای و پرسش های جدید پاسخ داد.

* شهید مطهری با نوشتن کتابهای داستان راستان، حماسه حسینی، عفاف و حجاب، عدل الهی و ... به مباحث مختلفی به زبان ساده پرداخته تا برای عوام قابل فهم و مفید باشد. قشر جوان و نوجوان باید از اینها اطلاع داشته باشند!

داستان راستان، کتابی است که نوجوانان هم می توانند از آن استفاده کنند، ولی آثار دیگری که شما نام بردید برای جوانها می تواند مفید باشد ولی برای نوجوانان باید مباحث را ترجمه کرد تا آنها بهتر و بیشتر بتوانند از آنها استفاده کنند.

* در طول سی و پنج سال انقلاب اسلامی و حتی قبل از آن چقدر وامدار اندیشه شهید مطهری هستیم؟

به اندیشه های شهید مطهری بسیار وامدار هستیم. به هر حال انقلاب اسلامی ایران بر اندیشه بزرگانی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری و ... است. در واقع این نظام با توجه به مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی و انسان شناختی و ارزش شناختی که امثال شهید مطهری داشته اند فعالیت می کند و پیش می رود. این است که حتی می خواهم بگویم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم بسیاری از متفکرانی که یا علاقه مندان به تفکر و اندیشه که در یک نوع بحران فکری به سر می بردند با آثار شهید مطهری از بحران بیرون می آمدند؛ بحرانی که زاییده تفکر مارکسیستی و تفکر روشنفکری التقاطی بود.

لذا سراغ آثار شهید مطهری می رفتند و از بحران سوسیالیستی، یا لیبرالیستی یا التقاط بیرون می آمدند. شهید مطهری واقعا

حق زیادی بر گردن نسل حاضر و نسل گذشته و همچنین نسل آینده ما دارد. بنابراین نقش اندیشه شهید مطهری به دوره ای که بحرانهای معرفتی ذهن بسیاری از مردم را درگیر کرده بود، برجسته بوده است.

*مباحث مورد نظر شهید مطهری در سخنرانی ها و کتابهایشان به چه درد جامعه امروز ما می خورد؛ آیا هنوز برای ما و نسل جوان ما مفید است؟

بله! شهید مطهری به مسائل دنیای مدرن پرداخته بود و با توجه به شناخت و تسلطی که نسبت به میراث گذشته اسلامی داشت اعم از فلسفه، فقه و کلام و تاریخ و تفسیر و ... با روش اجتهادی که در اختیار داشت، به پاسخ مسائل جدیدی که زائیده ذهن مدرن بود می پرداخت.

مسائل معاصر که دنیای مدرن ساخته تمام شدنی نیست، مگر اینکه دنیای مدرن تمام شود. به هر حال بحثهایی مثل عقل و دین، علم و دین و نسبت عدل الهی با اراده و اختیار انسان، تعدد و تکثر ادیان که در جامعه وجود دارد و مباحث گسترده فلسفه غرب که از دکارت و کانت، بیکن، اسپینوزا، مالبرانش، لایب نیتس و فیلسوفان دیگر مطرح بوده است، الان هم مطرح است و شهید مطهری هم به این مباحث می پرداخت. این مباحث را نقد، تبیین و نفی می کرد و به پرسشهایی که از این مکاتب فلسفی بیرون می آمد پاسخ می داد.

اینها مباحثی نیست که بگوئیم که در گذشته بوده و امروز با این مسائل روبرو نیستیم. بله! امروزه با مسائل جدیدی روبرو هستیم که در زمان شهید مطهری نبود؛ مثلاً بحث علم دینی با این گستردگی که اکنون مطرح است، در آن زمان نبود، هر چند شهید مطهری مختصر به بحث علم دینی پرداخته است و معتقد بود علمی که برای جامعه دینی مفید باشد، علم دینی است اما این مباحث امروزه بسیار گسترده تر مطرح شده است. بحثهای مربوط به حوزه هرمنوتیک، یا مباحثی که در فلسفه هنر، فلسفه رسانه، فلسفه سایبری و بحثهایی از این قبیل در زمان ایشان نبوده است و امروزه مطرح شده است. کسی که به آثار شهید مطهری آشنایی داشته باشد می تواند از آنها استفاده کند و به این گونه مباحث هم بپردازد و از طریق اجتهاد آنها را حل کند، یعنی منظومه فکری شهید مطهری این توانایی را به انسان می دهد که به صورت اجتهادی به مسائل جدید هم بپردازد.

مثلاً فرض کنید فرقه ها، معنویتهای نوپدید و عرفانهای کاذبی که از شرق آسیا یا از آمریکا و اروپا وارد شده اند در زمان شهید مطهری نبود، کسانی که با مباحث عرفانی و فلسفی شهید مطهری آشنایی داشته باشند می توانند به این معنویتهای نوپدید و کاذب پاسخ دهند و آنها را نقد کنند.

*به نظر شما اگر شهید مطهری امروزه در قید حیات بودند به چه مسائلی می پرداختند؟

به نظرم شهید مطهری اگر اکنون در قید حیات بودند حتماً وارد حوزه فلسفه های مضاف می شدند و به فلسفه های مضاف به پدیده ها و یا فلسفه های مضاف به علومی که مورد نیاز است مانند فلسفه علم، فلسفه فضای مجازی، فلسفه هنر و ... می پرداختند.

همان طوری که شهید مطهری به مباحث فلسفه جامعه پرداخته است، الان به فلسفه فضای مجازی یا فلسفه هنر و فلسفه معماری و فلسفه علوم انسانی و فلسفه علوم طبیعی می پرداختند. به نظرم در حوزه فلسفه، فلسفه مضاف را جدی تر دنبال می کردند. در حوزه پاسخ به شبهات که یکی از دغدغه های شهید مطهری هم بود، به نظرم به شبهاتی که از ناحیه معنویتهای سکولار یا از سوی روشنفکری دینی معاصر مطرح شده می پرداختند.

*به نظر شما آیا امروزه باید از شهید مطهری عبور کنیم؟

اینکه باید از شهید مطهری عبور کنیم اگر به این معنا باشد که اندیشه های شهید مطهری را کاملتر و بالنده تر کنیم و به مباحث جدیدتر بپردازیم، همان طور که در پاسخ به سؤالهای قبلی گفتم حرف درستی است اما اگر به این معنا باشد که اندیشه های شهید مطهری باطل شده و باید کنار گذاشته شود و مباحث دیگری را مطرح کرد و مباحث شهید مطهری را به حاشیه راند، آن را به هیچ وجه قبول ندارم.

*همه اساتید و کارشناسان موافق اندیشه های شهید مطهری نیستند، برخی حتی از اینکه به شهید مطهری فیلسوف یا اندیشمند بگویند ابا دارند و ایشان را در حد متکلم می دانند، شما چه پاسخی به این افراد دارید؟

فکر می کنم این افراد قدری باید در این زمینه تجدید نظر کنند. اگر شخصی مانند شهید مطهری را که فیلسوف اسلامی بود و

سالها در حوزه فلسفه اسلامی کار و تدریس کرده بود را فیلسوف ندانیم، پس چه کسی را باید فیلسوف بدانیم؟ به نظرم این افکار بیشتر به مشکلات اخلاقی بر می گردد، که بعضی از افراد خودشان را آنقدر بالا می برند و دیگران را پائین می آورند که در واقع این گونه تعبیر مطرح می شود.

قطعا شهید مطهری فیلسوف است اما اینکه بعضی اوقات، افرادی ایشان را متکلم می دانند، در پاسخ باید گفت اولاً فلسفه و کلام در حکمت متعالیه پیوند وثیقی پیدا کرده است، مخصوصاً از زمان خواجه نصیر به بعد. خواجه نصیر متکلم فیلسوف است یا ملاصدرا، فیلسوفی است که فیلسوفانه به اندیشه های کلامی پرداخته است. متکلمانی در تاریخ بودند که اصلاً رویکرد فلسفی ندارند و کلامی محض هستند اما شهید مطهری این گونه نبود و فیلسوفی بود که با فلسفه به مسائل کلامی می پرداخت و عمیقاً هم به این مسائل می پرداخت. البته هر دانشی از جمله فلسفه، سیر تکاملی دارد و امروزه مسائل فلسفی ای مطرح می شود که در زمان ملاصدرا و میرداماد نبوده است.

اگر ما چند اصطلاح جدید فلسفی از ملاصدرا و میرداماد بیشتر می دانیم باید بگوئیم ملاصدرا و میرداماد فیلسوف نبودند، به نظرم چنین عقیده ای بسیار بی انصافی است و به یک سری مشکلات اخلاقی که بسیار خطرناک است بر می گردد. عالمان در کنار علم باید از تواضع برخوردار و واقع بین باشند. استفاده از این گونه تعبیر برای بزرگانی که سالها برای این مرز و بوم خدمت کردند، درست نیست.